



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

بنیاد حقوق قربانیان

جمعه ۲۷ دسامبر ۲۰۱۹

شش‌جی اشغال افغانستان و مرحله تکامل دستگاه اختناق، شکنجه و خونریزی

نگاه مختصر به تاریخچه آگسا، کام، خاد و واد

خاد، دستگاه اختناق، شکنجه و خونریزی رژیم، زمینه ساز اشغال افغانستان

بعد از کودتای خونین هفت ثور ۱۳۵۷ رژیم کودتائی سازمان استخباراتی رژیم داود خان را که "مصونیت ملی" نام داشت سازماندهی مجدد نموده و آنرا به گفته نورمحمد تره کی "خلقی" ساخت که همه کارمندانش اعضای حزب حاکم بودند و تحت رهبری مشاورین روسی کار میکردند. نام استخبارات "خلقی" را "آگسا" (د افغانستان د گتوساتندوی اداره) گذاشتند. در رأس جلادان این اداره اسد الله سروری، یکی از صاحبمنصبان کودتاچی وفادار به نورمحمد تره کی قرار داشت. آگسا ماشین ترور و اختناق دوره تره کی-امین بود. آگسا صد ها هزار هموطن ما را از کابل و اقصی نقاط افغانستان دستگیر نموده و سر به نیست ساخت. عبدالله قواندان زندان پل چرخي دوران تره کی هر شب تشنه خون زندانیان می شد و به بلاکهای زندانیان میرفت تا قربانیانش را انتخاب کند. امین در جنایات این دوره مستقیماً سهم بود. بتاريخ ۱۵ سپتمبر ۱۹۷۹ احفیظ الله امین استاد خود تره کی را خلع نموده و بگشت. سپس لیست ۱۲۰۰۰ زندانی مفقود الاثر شده از زندان پلچرخي را نشر نمود. امین نام آگسا را به "کام" (د کارگرانو امنیتی موسسه) تبدیل نمود و برادر زاده خود داکتر اسدالله امین را بحیث سرجلاد "کام" تعیین نمود. اما عمر دوره امین و عمر "کام" که در ماهیت ادامه دهنده "آگسا" بود، با هجوم ارتش شوروی و اشغال افغانستان بتاريخ ششم جدی ۱۳۵۸/۲۷ دسمبر ۱۹۷۹ پایان یافت.

شش‌جی اشغال افغانستان و مرحله تکامل دستگاه اختناق، شکنجه و خونریزی

آدمک هائی که در رکاب ارتش شوروی به افغانستان آورده شدند، در رو سیه رهنمائی های لازمه برای وظایف جدید شان را بدست آورده بودند. بیرک کارمل رئیس شورای انقلابی پوشالی حتی نخستین بیانیه رادیوئی اش را از خاک شوروی پخش نمود. اسدالله سروری سرجلاد "آگسا" معاون صدراعظم شد و نجیب الله که در جوانی به بدماشی، توطئه چینی و خشونت شهرت داشت برای پُست سر جلادی آماده ساخته شده بود. وی وظیفه داشت تا تحت رهبری مشاورین و مربی های ک.گ.ب. (KGB/ КГБ) یک دستگاه بزرگ شکنجه و اختناق را مطابق به مدل ک.گ.ب. (KGB/ КГБ) در افغانستان ایجاد کند. نخستین هسته دستگاه شکنجه و اعدام نجیب الله "فعالین حزبی" نام داشت. این هسته متشکل از پرچمی های دو آتشه بود و در رأس آنها پولیسهای کهنه کار جناح پرچم

همچون غنی (یا غنی عزیزی بعد ها رئیس عمومی تحقیق خاد شد و فعلاً مقیم هامبورگ) وفادارترین افراد به نجیب الله مثلاً داکتر جلال رزمنده (بعد ها رئیس خاد ششدرک)، داکتر کریم بها (بعد ها رئیس خاد دارالامان فعلاً مقیم آلمان)، یعقوبی (بعدها وزیر امنیت دولتی)، ضمیر میهن پور (بعدها رئیس عمومی اداره اول خاد فعلاً مقیم انگلستان)، عارف سخره (بعد ها معین وزارت امنیت)، صلاح الدین صلاح (بعداً معین امنیت دولتی/هالند)، صدیق وفا (بعدها رئیس اداره هفت خاد/هالند)، داکتر قاسم عینک (بعد ها معاون ریاست عمومی تحقیق)، شریفی (بعدها مدیر در ریاست تحقیق)، حلیم عینک (فارغ حقوق بعد ها مدیر تحقیق خاد دارالامان)، داکتر اسماعیل (بعد ها مستنطق در ریاست تحقیق) و غیره بود. برای اینکه "فعالین حزبی" پرسونل اجرائی کافی داشته باشند، هزاران عضو و خوشبین جناح پرچم برای دوره های شش ماهه به روسیه ارسال شدند. در جریان قیام سوم حوت "فعالین حزبی" با سرکوب بیرحمانه تظاهرات مردم کابل وفاداری خویش را به روسها ثابت ساختند. بعد از آن نام فعالین حزبی به "خدمات اطلاعات دولتی (خاد)" تبدیل شد و روسها منابع مالی نا محدود را در اختیار این دستگاه قتل و شکنجه قرار دادند. بتدریج ده ها هزار نفر دیگر با وعده های معاش فوق العاده، کورسهای شش ماهه شوروی در هر سه سال بصورت دورانی و سایر امتیازات در خاد استخدام شدند.

تفاوت خاد با آگسا و کام در چهار نکته بود: نخست اینکه برعکس آگسا و کام، خاد تشکیلات عظیم داشت و مجهز به وسایل و میتود های عصری معمول در ک.گ.ب (KGB/КГБ) بود. به گواهی داکتر آرماکورا گزارشگر کمیته حقوق بشر ملل متحد، خاد در پهلوی زندانها و نظارتخانه های رسمی متعدد در سرتاسر افغانستان، حد اقل چهارصد زندان غیر رسمی تنها در شهر کابل داشت. تعداد زندانیان سیاسی خاد تنها در محبس پلچرخ در عین وقت بیش از ۳۰۰۰۰ بود و سالانه بیش از ۲۴۰۰ تا ۳۰۰۰ زندانی توسط مؤظفین خاد و رهبری زندان پل چرخ از بلاک اول این زندان با موتر های بدون شیشه به پولیگون ها منتقل و با قساوت زیاد تیرباران میشدند / زندان های ولایات وضع بهتر از این نداشت. خاد به تدریج مبدل به حکومتی در درون حکومت وقت شد. ثانیاً دستگاه خاد تحت رهنمائی مشاورین روسی در پهلوی شکنجه جسمی که در آگسا و کام هم بصورت سیستماتیک وجود داشت، شکنجه دوامدار روحی را افزود. به همین علت صد ها زندانی کاملاً دیوانه، زندان پلچرخ را ترک کردند. ثالثاً در چوکات خاد تشکیلات نمایشی مسخره ئی بنام خارنوالی و محکمه اختصاصی انقلابی به هدف خاک پاشیدن به چشم جهانیان براه انداخته شده بود. از مستنطق تا خارنوال وقاضی همه مامور و معاشگیر خاد بودند. رابعاً خاد لشکری متشکل از فرقه ها و لوا ها مسلح با اسلحه ثقیله داشت و در تخریب قریه های افغانستان سهم فعال ایفا نمود. از سال ۱۳۶۲ (۱۹۸۳) به بعد خاد از ک.گ.ب (KGB/КГБ) صلاحیت و منابع مالی و اسلحه را برای استخدام ده ها هزار نفر دیگر برای تأسیس قطعات نظامی سرکوبگر بدست آورد. از این منابع برای تشکیل گروه های ملیشه جدید که به گلیم جمع و کندک قومی مشهور بودند و خرید برخی گروه های ملیشه تنظیمی استفاده بعمل می آمد. قساوت و بیرحمی قطعات خاد و ملیشیه های آن در شهر ها و قریه جات افغانستان زبانزد عام و خاص بود. بعد از اینکه قصر کرملین نجیب الله را به عوض ببرک کارمل در رأس حکومت در حال زوال کابل گماشت، خاد موقف خود بحیث یک اداره مستقل را که صرف به رئیس دولت جوابگو بود، از دست داد و در رسمیات دولتی به "وزارت امنیت دولتی (واد)" تغیر نام داد که در راس آن غلام فاروق یعقوبی گماشته شد. اما در محاورات روزمره

مردم "واد" هیچوقت جا نیفتاد و هنوز هم که تقریباً چهار دهه از تأسیس خاد میگذرد، خاد نامی است که در اذهان نسل های کهنه ونو با خونریزی، شکنجه و اختناق مترادف میباشد. و در آخرین روز های سقوط رژیم تحت رهبری حزب منحل شده دیمکراتیک خلق به تاریخ 26 حمل 1371 تا 8 ثور 1371 عثمان سلطانی مسولیت این وزارت را عهده دار شد.

امیدواریم نسل های آینده کشور با دریافت آگاهی پیرامون تاریخچه 40 سال اخیر کشور به خودآگاهی دست یافته با قضاوت سالم روز های آینده کشور را مبرا از جنایات رقم بزنند.

(کمیته منیت دولتی شوروی وقت) / Комитет Государственной Безопасности :КГБ